

امروز یا سعدی شیراز

زندبیر پیر گهن بر مگرد

چو دشمن به عجز آمدن سز در / زندهای خواهد کرم پیشه کن
ز تندبیر پیر گهن بر مگرد / که کارآسوده بود سالخورده
در آرنه بنیاد روین ز پای / جوانان به نیروی و پیران به رای
بیندیشی در قلب هیچا مفر / چه دانسی گران را که باشد ظفر؟
چوینستی که لشکر ز هم دست داد / به تنها مده جان شسیرین به باد
اگر بر کناری به رفتن بکوش / وگر در میان لبس دشمن بیوش
وگر خود هزاری و دشمن دوست / چو بپشد در اقیام دشمن مایست

یک خبر یک نگاه

به بالگرد دهای امدادی چه امید است؟

مهندس محمد مهدی تندگویان نایب رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران اعلام کرد: ۹۰ درصد بدهای بالگرد در ساختمان‌های بلند پایتخت غیراستاندارد هستند تندگویان در گفتگو با آرنایه گفت: حتی اگر بدهای اینکه واقعا تکران بروز حادثه در ساختمان‌های بلند مرتبه هستند؛ گفت: هر روز تعداد ساختمان‌های بلندمرتبه در تهران افزایش می‌یابد و طاهر از زندگی در تهران چاره‌ای جز بلند مرتبه سازی ندارد، اما این در حالی است که امکانات سازمان آتش نشانی به هیچ وجه برای طبقات بیش از هفت طبقه پاسخگو نیستا
وی با بیان اینکه احداث پد بالگرد می‌تواند برای تامین امنیت ساختمان‌های بلندمرتبه راهگشا باشد گفت: سازمان هواپیمایی کشور چندسال پیش طی نامه‌ای استانداردهای ساخت پد را به شهرداری اعلام کرده بود اما استانداردها در بررسی‌ها مشخص شد که این استانداردها در

برش

درس من، از دست دادن آزادی

هیچ وقت نمی‌شود ورزشکاری در حالتهای ورزش جسمانی اش را فراموش کند، آنگاه کلمات تصمیم بگیرد درسی باشد، که البته این درس هم به هیچ درد زندگی



خشونت، از تشویش آینده به وجود می‌آید

افلاطونی را از رایه داندن بی‌خبر نماندند و با غضب از کنار آن رد می‌شدند. ما مغایبی مثل دموکراسی و حکومت‌های مردمی نداریم، هر چند که گذشتگان برای ما قابل احترام باشند، اما نباید از آنها اسطوره ساخت و بگوئیم که مثلا آزادی است که حافظ می‌گوید، همان آزادی‌ای است که در عصر جدید در لیرالیسم مطرح می‌شود. اساسا در آن زمان مردم جامعه مدنی و قدرتمندی، معنای نداشتند اما می‌عاشی، همواره وجود داشته و در نزد همگان، واجد معنای واضح و روشنی بوده که همواره با پوست و گوشت استخوان حس می‌شود. آزادی آغاز می‌شود و امدهای جرقه می‌زند، مخصوص در عصر روشنگری در سده هجدهم، مثلا یکی از اندیشمندان زمان بعد از انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، در دوران بسیار تاریک و خونبار، در کتاب خود سرشار از امید برای آینده می‌نویسد: زندگی زمانی فراموشی‌رساند که همه در کنار هم در صلح و عدالت و رفاه زندگی می‌کنند.
در هر حال، اصل اول دمو (که صلح بدون عدالت نامکن است) صلح و در شرایطی که نابرابری‌های

پیدا شود صلح از برشمرید، تازه اول مسیر است. باید دنبال عدالتی اساسی باشیم که همه این موارد را به هم پیوند می‌دهد. اصل مسأله این است که دنبال عدالتی اصلی گردیم که ریشه‌های این کثرت است و آنها را مانند پیوستگی به هم متصل کرده است.
اینکه می‌گویند صلح جهانی، نیازمند عدالت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، نه فقط در دوران مدرن، بلکه در خلاف مفهوم آزادی از پیرایه و از آثارهای باستان، مطرح شده است. اگر آزادی سوز، امر جدیدی است، اما عدالت خواهی، مطالبه‌ای بوده که پیش از عصر مدرن هم وجود داشته است. چراکه می‌دانیم صلح و عدالت، از نظر هستی‌شناسی، قدمتی دارند و در تاریخ، تاثیر مستقیم بر هستی‌شناسی جدید و در گذشت، پیوست و خون احساس می‌شود.
در قرون وسطی و در شرق، مفهومی به نام دموکراسی، حکومت بر اساس مصالح عامه یا عدالت، غلبت جمعی تاریم بلکه چنین چیزی، کفر و عقابتی محسوب می‌شده است. شواهد بسیار زیادی هم می‌توان در آن کسب موضوع، به دلیل بی‌اطلاعی نوده است. فراموشی و سپردگی که طرح حکومت‌های



باسیم جعفری، مترجم و پژوهشگر فلسفی

چندی پیش مقاله‌ای خواندم که در باره صلح سخن گفته بود. واری را برشمرده بود که بدون آنها صلح نامکن است. پیش از تر جاهی دیگر نیز این مطالب را مطالعه کردم. مواردی مثل این که صلح بدون عدالت نامکن است و عدالت هم بدون صلح پایدار جهانی نمی‌شود صلح پایدار جهانی، در شرایطی که نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فقر و گرسنگی وجود دارد، مطرح می‌شود، توسل به زور نظامی برای رسیدن به قدرت سیاسی، صلح تحقق صلح است؛ صلح بدون به رسمیت شناختن حرمات ذاتی و کرامت همه انسان‌ها و وجود یک سیستم حقوقی نظامی بر آن، تحقق پیدا نمی‌کند. به رسمیت شناختن اجتماعی و گفتگو برای زندگی مسالمت‌آمیز ناهماهنگ، عامل زندگی را ایجاد صلح است. اما این که جزو به جزو یکسری از مشکلاتی

خیلی دور خیلی نزدیک

اسم رمز در بسته را پیش روی آدمی بازی می‌کنند کتجد باز کن!

فرهاد خاکیان دمکردی / شاعر، نویسنده، فعالیت کودک
حتما داستان علی‌بابا و چهل دزد بغداد را خاطرتان هست. قصه‌ها را کتاب‌ها هم می‌خواند. ما مجرا از آن فراتر است که علی‌بابا سواد بود. می‌شود چهل دزد بغداد در غار مخوفی برای خودشان کتجد مخفی کرده اند و سرو و بیاپی راه انداخته‌اند که در میان آنها یک چیزی این بین بود و آن هم رمز ورود به آن غار بود. از قفسه این طور بر می‌آمد که رئیس دزدها روپرو می‌کرد: «باز بیا» و می‌گفتند که: «کتجد باز کن!» دقیقا در همین لحظه ورودی غار باز می‌شد و دزدها به نوبت ورود می‌کردند تا بین آن همه طلا و جواهر، دلی از غار در بیابوند. حالا درست باید دید، چرا مردم به غار سر می‌زدند به گمانی به می‌تواند طلاها اضافه می‌کردند. علی‌بابا هم که پسر زرتیسی بود، از فرست استفاده می‌کرد و خودش را گوشه‌ای از غار وامی‌گردد. بنهانی می‌شود تا دزدها بیوند، بعد موقع خروج می‌می‌مشرف فشار می‌آورد که اسم رمز چه بود؟ فریاد می‌زند: «لوپسا باز کن!» خود می‌گردد: «کتجد باز کن!» و در حرف امروز من دقیقا سر علی‌بابا اسم رمز را فراموش کرده بود. اسم رمز «کتجد باز کن!» بود و حرف امروز من دقیقا سر همین اسم رمز است. تمام آدم‌ها برای زندگی باید کتجد خودشان اسم رمز داشته باشند، تا وقت گرفتاری دربی را برای نشان باز کند و البته که هر کس چه و چه می‌زند خودی را خوب می‌داند، پس می‌تواند یک اسم رمز برای خودش دستاورد و می‌تواند به آن اعتماد داشته باشد و از آن استفاده کند.
اسم رمز می‌کند از ازش حرف می‌زنم در زندگی آدم می‌باشد. مثلا گردش در طبیعت، کتاخواندن، سینما را هر چند دیدگی باشد، ولی کارگردان از آن جهت غوغا می‌کند که در بسته را پیش هفت آدمی بازی می‌کنند این دانشمندی

از سر دلنگی

آزادی و محیط زیست دغدغه‌هایی که پایان ندارد

اسماعیل کهرم / کارشناس محیط زیست
آدمی به دلیل بهره‌مندی از طبیعتی خاص، دغدغه‌مند است. مسأله و موضوعاتی هست که هر روز روبا در مدت زمان طولانی تر گریبان آدمی می‌گیرد و ما را به خود مشغول می‌کند مسأله‌ای مانند مشکلات اقتصادی مردم، موضوعات شخصی یا مشکلات و معضلات مختلفی که در جامعه وجود دارد و بروز آنها، و بیشتر لوقات، افراد از جهت نوع دغدغه‌مندی‌ها با هم متفاوتند. یک دغدغه موضوعات شخصی دارد دیگری دغدغه موضوعات اجتماعی، اما برای من مهم‌ترین دغدغه آزادی است. داستان این است که در برابره درهای اجتماعی می‌نویسم اما وقتی آنها را برای به محضر است می‌دهم، طوری منتشر می‌شود که به محض نشر آن می‌تواند شتابان اقدام به نام خود سانسوری و معضلات است.
موفقیت و ترس به نظر من دو نقطه متضاد با هم‌اند، به این معنی که وقتی به ترس می‌ایمانم قایق بیاییم، موفق می‌شویم، دغدغه دوم من هواد است. این دغدغه نخست کمتر نیست، محیط زیست است. لوقات زیادی به دریاچه‌ها می‌روم، در سدهایی که آب آنها می‌گردد و کار می‌آورد، در کسرت بر زمین دیده‌اشتم و نگاه می‌کنیم، آب دریاچه‌ها در رود می‌رود. از نظر من، نقش مردم در هر وقت آب تقریباً صفر است. کشور ما سه ساله ۳۰ میلیارد متر مکعب از منابع مختلف درف، باران و... آب در ریاضت می‌کند که از این مقدار ۹۰ میلیارد متر مکعب آن، مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و بقیه‌اش به سبب این که در مناطق دور از دسترس مثل دریاچه کوهر باقله کوه می‌باشد دریاچه بهره‌برداری نیست از آن. ۹۰ میلیارد متر مکعب، ۹۲ درصد یعنی حدود ۳۰ میلیارد متر مکعب صرف امور کشاورزی می‌شود، آن هم نوعی از

شاتر

«جسیکا کاکس» اهل منطقه «کاسون» در آمریکا با وجود نداشتن دوست، گواهینامه خلبانی خود را از انجمن هواپیمایی آمریکا دریافت و به عنوان بهترین خلبان زن بدون دست آمریکا لقب گرفته است.



جسیکا کاکس خلبان حرفه‌ای